

نوع مقاله: ترویجی

اصول مشروعیت مداخله در اسلام و نظام حقوقی بین‌الملل

jabarmohammadi@gmail.com

dr.majid.vaziri@gmail.com

کج جبار محمدی بلبان‌آباد / کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مجید وزیری / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

دریافت: ۹۹/۱۱/۳۰

چکیده

در نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل مداخله در امور داخلی دولت‌ها براساس اصل عدم مداخله، منع شده است. اما بر این اصل، براساس اصول و معیارهایی استثناء وارد شده است. در این مقاله مهم‌ترین اصول مشروعیت مداخله از دیدگاه اسلام با مراجعه به منابع فقهی و حقوقی تبیین و توسعه مفهوم مداخله با ذکر موارد مشابه آن، در نظام حقوقی بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش ایجاد تطابق و تعامل بیشتر اصول مشروعیت مداخله، با قوانین موجود در نظام حقوقی بین‌الملل و مسائل مستحدثه مطروحه در جهان امروز است.

در این مقاله براساس مطالعه توصیفی، تحلیلی و تطبیقی اصول کرامت انسانی، جهاد دعوت، دفاع از دیگری و اصل امنیت دسته‌جمعی، جهاد تدافعی یا دفاع مشروع و مداخله مبتنی بر دعوت و یا قرارداد به‌عنوان مهم‌ترین اصول مشروعیت مداخله معرفی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مداخله، اسلام، نظام حقوقی بین‌الملل، کرامت انسانی، جهاد ابتدایی.

مقدمه

(حسینی، ۱۳۹۱): و مقالاتی همچون «امنیت دسته‌جمعی در تئوری و عمل» (مقتدر، ۱۳۷۱): «مداخله در امور کشورهای دیگر در حقوق بین‌الملل معاصر» (صفایی، ۱۳۶۷) اشاره کرد. با بررسی آثار مذکور و منابع دیگر متوجه خواهیم شد که هر کدام از آنها تنها به بخشی از اصول مشروعیت مداخله پرداخته و با اینکه بحث تطبیقی صورت نگرفته و تنها کتاب *جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر* (حسینی، ۱۳۹۱) است که به صورت وسیع موضوع را مورد بررسی قرار داده است. براساس تحقیقات نویسندگان اثری که بتوان به صورت موردی و با نگاه تطبیقی به اصول مشروعیت مداخله پرداخته باشد یافت نشد. براین اساس مقاله درصدد آن است که کلی‌گویی و عدم نگاه تطبیقی را که نقص اکثر آثار است را از بین برده و به صورت موردی و با نگاه تطبیقی به اصول مشروعیت مداخله بپردازد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مداخله

مداخله در عربی و دخالت در فارسی، به معنای داخل شدن در کار کسی و دخالت در امور دیگران آورده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴۸۹). این کلمات بار معنایی منفی دارد و به نوعی داخل شدن غیرموجه در کاری تعبیر می‌شود و در *لغت‌نامه دهخدا* آشکارا به «در آمدن مرد در کاری که کار او نباشد» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۵۱۹). در *فرهنگ حقوق بین‌الملل* آمده است: مداخله، دخالت مستبدانه توسط یک یا چند دولت در امور داخلی یا خارجی دولت یا دولت‌های دیگر است، و اغلب با تهدید یا توسل به زور همراه می‌باشد، به منظور حفظ یا تغییر شرایط موجود» (بلدسو، ۱۳۷۵، ص ۴۹۲).

۲. اصول مشروعیت مداخله در اسلام و نظام حقوقی

بین‌الملل

با توجه به اینکه مداخله در دیگر کشورها نقض قاعده عدم مداخله بوده که در نظام حقوقی اسلام و بین‌المللی اصلی مسلم تلقی می‌شود؛ لذا نقض آن استثنایی بر این قاعده محسوب می‌شود که بایستی مبتنی بر اصول و معیارهایی باشد که مبنای مشروعیت این استثنا قرار گیرند. اینک با توجه به منابع فقهی و حقوقی مهم‌ترین این اصول مشروعیت، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مداخله در امور کشورها در حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته است. با وجود اینکه منابع حقوقی در این زمینه فراوان است، اما هنوز همه مسائل و جوانب موضوع به طور کامل روشن نشده و حتی تعریف جامعی از مداخله بیان نشده است. یکی از اهداف جنگ‌های مشروع در نظام حقوقی اسلام مبارزه با ظلم، حمایت از امت اسلامی و دفاع از همه مظلومان در مقابل متجاوزان و ستمگران می‌باشد، چه اینکه بدون تردید از نمونه‌های بارز ظلم و تجاوز، تعدی به حقوق اساسی بشر است و همان‌طور که در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰م در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در قاهره آمده است، حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام، جزئی از دین مسلمانان است.

جریان حمایت از حقوق بشر در حقوق بین‌الملل معاصر - که عمدتاً غربی است - پیشینه‌ای کوتاه دارد و به اواخر قرن هجدهم (۱۷۸۹م) برمی‌گردد؛ درحالی‌که در حقوق اسلامی در همان دوران آغازین حکومت اسلامی، بحث حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی و نیز از حقوق همه انسان‌ها مطرح و بر حفظ حقوق آنها تأکید شده است (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۹۷).

وجود ابهام در مفهوم مداخله از یک‌سو، و «اصل اعتزال و یا اصل عدم مداخله» در حقوق اسلام و بین‌الملل از سوی دیگر، ضرورت و اهمیت مفهوم مداخله و توسعه آن در نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل و تبیین اصول مشروعیت نقض قاعده عدم مداخله در امور داخلی دولتی را که دارای حاکمیت است، آشکار می‌کند. براساس مباحث مطروحه، مقاله درصدد پاسخ‌گویی به دو سؤال اساسی زیر است:

۱. اصول مشروعیت مداخله در نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل

کدامند؟ ۲. توسعه مفهوم مداخله در دنیای معاصر چگونه است؟

با توجه به وسعت موضوع و ابعاد و گونه‌های مختلف مداخله، در این مقاله سعی بر این است بعد از بیان کلیاتی در مورد مفهوم مداخله، ضمن بیان اصول مشروعیت مداخله در اسلام به تبیین موارد مشابه مذکور در نظام حقوقی بین‌الملل پرداخته شود.

البته آثار مرتبط در این زمینه به نگارش درآمده‌اند که می‌توان به کتاب *جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر*

۲-۱. اصل کرامت انسانی

به مقتضای برخی از آیات قرآن کریم، انسان از کرامت فطری برخوردار است و خداوند انسان را بر فطرت الهی آفرید و استعدادهایی به او داد که می‌تواند در جایگاه خلافت الهی قرار گیرد (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱)؛ یعنی در واقع در نظام فکری و اعتقادی اسلام، خداوند انسان را همراه با استعدادهایی که مناسب شأن انسانی اوست، آفریده است که با آزادی و اختیار عمل خود، در راه پرورش استعدادهای خود گام بردارد و به کمال و قرب الهی دست باید (کهف: ۲۹؛ انسان: ۳؛ نحل: ۹)؛ و برای رسیدن به کمالات مناسب شأن انسانی حقوقی برای او قرار داده که کسی نمی‌تواند آنها را سلب کند، یا مانع استیفای آن شود. از جمله، حق حیات، حرمت نفس، آزادی‌های شخصی و اجتماعی و سیاسی است (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۸).

خداوند متعال با بیان احکام مختلف اخلاقی، از مقام کرامت انسان حراست کرده و به بندگانش دستور می‌دهد که مبدا برخلاف کرامت خود و دیگر انسان‌ها عملی انجام دهند. امر به نیکوکاری به صورت مطلق (نحل: ۹۰؛ نساء: ۳۶؛ بقره: ۸۳؛ انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۲۳)، دوری جستن از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران (بقره: ۲۲۹؛ مائده: ۴۵) همه از فرمان‌های خداوند در قرآن کریم است که مبتنی بر کرامت انسان می‌باشد و تمام انسان‌ها با هر رنگ، نژاد، جنس، اعتقاد و طرز نگرش را شامل می‌شود. در حقوق بین‌الملل اسلام، در برخی موارد بر همه مسلمانان و دولت‌های اسلامی واجب است که از این حقوق انسانی و الهی از راه‌های مناسب، و اگر لازم باشد با نبرد مسلحانه و توسل به زور، دفاع کنند (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۸).

برخی از فقها از شمول ضرر در قاعده «لاضرر» استفاده کرده‌اند و هرگونه هتک افراد را مصداق ضرر دانسته‌اند که باید آن را دفع کرد. شهید صدر معتقد است که مفهوم ضرر در قاعده «لاضرر» شامل نقص کرامت افراد نیز می‌شود؛ وی می‌گوید: «ضرر یک جنبه موضوعی دارد که همان نقص است؛ بنابراین باید حد و مرز نقص را مشخص کنیم». سپس می‌افزاید که نقص در کرامت نیز مشمول عنوان ضرر می‌گردد: «فقیهان فرموده‌اند ضرر یا در جان است یا در مال یا در آبرو؛ ما بهتر است از سومی با تعبیر گسترده‌تری یاد کنیم و آن عبارت است از کرامت و اعتبار» (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۸).

بحث و جدل میان موافقان و مخالفان بر سر لزوم، مشروعیت و نحوه اعمال مداخله با هدف حمایت و حفظ حقوق و کرامت انسان‌ها

همواره وجود داشته است. برخی، حقوق اساسی بشر را بیان کرده‌اند، اما طبق نظریه مورد حمایت بیشتر دانشمندان حقوق بین‌الملل، شرط غالب برای مداخله بشردوستانه، نقض جدی حقوق اساسی بشر است (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۱؛ به نقل از: اسکندری زنجانی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱-۱۱۲).

اعلامیه جهانی حقوق بشر به ترتیب در ماده ۲۱ به حقوق برابر تمام انسان‌ها اشاره می‌کند:

ماده ۱. تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده ۲. هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی (مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ قاهره) نیز در بند الف ماده ۱ به برابری انسان‌ها اشاره می‌کند و اعلام می‌دارد: «بشر، به‌طور کلی، یک خانواده هستند، که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم، آنها را گرد آورده؛ و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت، برابرند؛ بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی، یا وابستگی سیاسی و غیره».

در دنیای پس از جنگ سرد، سازمان ملل کوشید با تفاسیر جدید صلح و امنیت بین‌المللی را با حقوق بشر پیوند زند. فصل هفتم منشور می‌تواند، به‌عنوان پایه مشروعیت اقدامات شورای امنیت، گرچه هیچ رابطه مستقیمی با مقررات حقوق بشر ندارد؛ اما شورا می‌تواند در چارچوب ماده ۳۹ منشور تشخیص دهد که آیا نقض حقوق بشر در هر جامعه‌ای صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند یا نه؟ از این دیدگاه حقوق بشر مسئله‌ای داخلی نیست؛ چراکه تأکید منشور ملل متحد بر پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر به‌عنوان یکی از اهداف ملل متحد و متعاقباً تعدادی از کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های مربوط به حقوق بشر و عرفی شدن برخی از آنها، حقوق بشر را به صورت یکی از هنجارهای قطعی و اصول مسلم حقوق بین‌الملل درآورده است. می‌توان در تأیید این ادعا، به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر درخواست از شورای امنیت برای اقدام به نفع «حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود» و جلوگیری از «سیاست تبعیض

نژادی» و قطعنامه‌های شورای امنیت در مواردی چون اعمال تحریم اقتصادی به دلیل نقض حقوق بشر در آفریقای جنوبی و رودزیا اشاره می‌کنند (آقایی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۳-۲۵۴).

۲-۲. جهاد ابتدایی

ممنوعیت تعدی و تجاوز به‌عنوان حکم اولی اسلامی و نیز دفاع و حمایت از قربانیان تعدی و تجاوز، چه از مسلمانان و چه از غیرمسلمانان تا حد توان و امکان، در حقوق اسلام ریشه‌دار است. دفاع از انسانیت نه‌تنها در اسلام، بلکه در بسیاری از ادیان، مکاتب و فرهنگ‌ها وجود دارد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۴). خداوند دستورهایی برای سعادت، آزادی و تکامل انسان‌ها طرح کرده و پیامبران خود را موظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند. در واقع جهاد ابتدایی، جهاد دعوت و ابلاغ تعالیم دین جهانی اسلام است و همچنین می‌توان جهاد برای محو شرک و زمینه‌سازی برای انتخاب آزادانه و آگاهانه دین اسلام، تحت عنوان جهاد ابتدایی قرار داد (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۸-۳۷).

در تحلیل فلسفه جهاد ابتدایی می‌توان گفت اجتماع بستر رشد انسان‌هاست و انسان در ایدئولوژی اسلامی تنها مسئول خود نیست، بلکه نسبت به هم‌نوعان خود نیز مسئول است؛ زیرا همه انسان‌ها مخلوق و بنده خدا هستند و آزاد خلق شده‌اند و نباید به بندگی دیگری درآیند؛ به این دلیل حاکمیت جور بر مردم، عامل اساسی در عدم رشد آنها شمرده می‌شود و نجات انسان‌ها از ظلم ستمگران درواقع دفاع از ارزش‌های انسانی است که راه را برای تعالی انسان‌ها می‌گشاید. به تعبیر دیگر، ضمانت اجرای مداخله بشردوستانه در اسلام، تهمدی اخلاقی است که از سوی خداوند به کل جامعه اسلامی تفویض شده است؛ به این معنا که این بحث به‌عنوان زیرمجموعه بحث جهاد به معنای عام آن قرار گرفته است (هشمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸).

باید در نظر داشت که دعوت انبیا و مبلغان دینی اصولاً همراه با حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن است (سیدسابق، ۱۴۰۵ق، ص ۱۸-۱۷)؛ ولی اگر مخالفان معارضه کردند، بحث جهاد دعوت مطرح می‌شود (هیكل، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۸۸-۵۹۲) و منظور از معارضه، جلوگیری از انتشار دعوت اسلامی یا ایجاد فتنه است؛ به‌گونه‌ای که مانع از انتخاب آزاد دین الهی از سوی مردم شود (زحیلی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۳). درواقع این نوع جهاد در جهت آزادی بشر و رشد معنوی

بوده و این مصلحتی است که خداوند برای بشر خواسته است. لذا دور از حکمت و عدالت خداوند است و عقل بشر نیز این امر را نمی‌پذیرد که انجام این امر بسیار مهم را که امیرمؤمنان علیؓ می‌فرماید: «دین و دنیا جز به وسیله جهاد اصلاح نمی‌شود» (حرعاملی، بی‌تا، باب ۱ از ابواب جهاد، ح ۸)، مورد توجه قرار نگیرد.

برخی از آیات و موضوعات پیرامون جهاد ابتدایی عبارتند از: (۱) جهاد ابتدایی به منظور نجات ستم‌دیدگان از ستم ظالمان، آنجا که خداوند مسلمانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و از آنها می‌پرسد: «برای شما چه سودی دارد که در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که ناتوان شمرده شده و مورد ستم کفرپیشگان قرار گرفته‌اند، نمی‌جنگید؟» (نساء: ۷۵) (۲) جهاد به منظور مبارزه با مفسدان، که آیه ۱۹۰ سوره «بقره» می‌فرماید: «و در راه خدا با کسانی که با شما سرجنگ دارند، بجنگید و از حدود الهی تجاوز نکنید.» (۳) جهاد به منظور جلوگیری از یک عمل منکر است و قرآن می‌فرماید: «مردم را با برهان و اندرز نیکو به راه پروردگارت فراخوان» (نحل: ۱۲۵). جهاد به منظور رفع موانع دعوت و قرآن می‌فرماید: از آنجاکه انسان‌ها در پذیرش اسلام آزادند و خداوند آنها را مختار قرار داده، انسان‌های مشرک حق ندارند که مانع دعوت آنان به اسلام شوند؛ که اگر این موانع وجود نداشت، مردم فوج فوج به دین رو می‌آوردند (نصر: ۲).

در موارد چهارگانه فوق، هدف شکستن موانعی است که سر راه تکامل انسان، آزادی و حقوق طبیعی وی پدید آمده و یا برای دفع شر مفسدانی است که برای نابودی نظام اسلامی قیام کرده و یا آرامش را بهم می‌زنند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۳۲). شهید مطهری می‌فرماید: «اگر توحید را یک مسئله عمومی و جزء حقوق انسانی و از شرایط سعادت بشر دانستیم، جنگ ابتدایی با مشرک به‌عنوان دفاع از توحید و قطع ریشه فساد جایز است» (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۵۱).

استاد عمیدزنجانی بیان می‌دارد: «قرآن دعوت را حق آیین واقعی زندگی توأم با رشد و ارتقاء بشری می‌داند، و به کسانی که به چنین آیینی رسیده‌اند، حق داده است که همه ملت‌ها را به سوی آن دعوت کند. قرآن دعوت را مادام که مبتنی بر استدلال و خیرخواهی است، امری منطقی و منطبق با اصل آزادی و اختیار انسان تلقی می‌کند و آن را مداخله در امور دیگران نمی‌شمارد» (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۸۳).

و مستضعفان جهان در برابر متجاوزان و ستمگران» را از اصول خود می‌داند که در مبانی اندیشه اسلامی و منابع حقوق بین الملل اسلام بدان توجه شده است (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۱-۳۰۲).

قرآن کریم در آیات متعدد به صورت عام و خاص بر این موضوع دلالت دارند. آیاتی که بر این امر به طور عام دلالت دارند؛ مانند آیاتی که علت اذن در جهاد را «مظلومیت» و اخراج از کاشانه و آواره ساختن مؤمنان از وطن خود به دست ستمگران می‌داند (حج: ۳۹-۴۰). یا آیاتی که به نبرد همگانی با همه کسانی که با «مسلمانان» و جامعه «مؤمنان» نبرد می‌کنند، دستور می‌دهد (بقره: ۱۹۰).

آیاتی دیگری هستند که به طور خاص بر این امر دلالت دارند؛ عبارتند از:

۱. آیات ۴۱ و ۴۲ سوره «شوری»: «کسانی که پس از آنکه بر آنان ستم شد، یاری بطلبند، ایرادی بر آنها نیست. مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می‌دارند».

۲. آیه ۹ سوره «حجرات»: «هر طایفه‌ای که به جنگ تجاوزکارانه روی آورد، دیگر مسلمانان باید با آنان پیکار کنند تا به فرمان خدا بازگردند».

۳. آیه ۲۵۱ سوره «بقره»: «اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید».

در سیره و سنت رسول خدا ﷺ نیز بر این مسئله تأکید شده است. در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمودند: «هر کس فریاد استغاثه هر مظلومی را بشنود که مسلمانان را به یاری می‌طلبد، اما فریاد او را اجابت نکنند، مسلمان نیست» (جرعاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۸، باب ۵۹، ح ۱). در صحیح بخاری نیز از آن حضرت روایت شده، که فرمودند: «مسلمانان برادر یکدیگرند، به همدیگر ظلم نمی‌کنند و در مقابل دشمنان یکدیگر را رها نمی‌کنند» (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۶، به نقل از: بخاری، ج ۱۲، ص ۳۲۳).

سنت عملی رسول خدا ﷺ در انعقاد پیمان‌های دفاعی و یاری مظلومان آنچنان که در حلف الفضول صورت گرفت، و یا به عنوان اعلام همبستگی که در پیمان با بنی‌ضمیره و خزاعه انجام شده، گواه این امر است.

وهبه زحیلی به این مورد اشاره کرده است (زحیلی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۲) و معتقد است که روح حاکم بر پیمان حلف الفضول دفاع از مظلوم بود که پس از بعثت نیز جزو دستورات اسلامی در امور سیاسی و اجتماعی تثبیت شد. همچنان که که پیامبر اکرم ﷺ اشاره

در نظام حقوقی بین الملل، اصل عدم مداخله است که از توابع حقوق اساسی دولت‌ها، به‌ویژه حق استقلال آنهاست و هدف از این اصل، آن است که ملت‌ها بتوانند به صورت آزاد، سرنوشت خود را به دست بگیرند و در صحنه بین الملل رقابت آزاد و سازنده‌ای با دیگران داشته باشند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۴۹-۴۵۱). باید توجه داشت که با توجه به اینکه در حقوق بین الملل معاصر با تقاضاهای روزافزون بین المللی شدن مسئولیت کشورها در قبال حفظ صلح و امنیت بین المللی و حمایت از حقوق بشر مواجه هستیم، تفسیر موسع از اصل عدم مداخله، دیگر پاسخگوی چنین روندی نیست. با گذشت زمان و با اهمیت یافتن روزافزون حقوق بشر، به نظر می‌رسد که اصل عدم مداخله رو به تعدیل است. موضوع حقوق بشر را باید از موضوعاتی دانست که به طور متقابل بر تحول اصل حاکمیت و تعدیل اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها مؤثر بوده است (جاوید و محمدی، ۱۳۹۵، ص ۷۶). امروزه با تحولات صورت گرفته در مجامع بین المللی ملاحظه می‌شود که سازمان ملل با تفسیر موسع از صلح و امنیت بین المللی و لحاظ کردن عدم وجود نظام سیاسی دموکراتیک، عدم رعایت حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و... به‌عنوان تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین المللی، مبادرت به مداخله حتی به صورت نظامی در دولت‌ها می‌کند و در همین راستاست که به نظر می‌رسد «مداخله بشردوستانه» بتواند قابل توجیه باشد (بیگز زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۸۱).

در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آزادی مذهبی اشاره کرده و انسان را در داشتن و نداشتن مذهب و نیز تغییر مذهب و اجرای مراسم مذهبی، آزاد دانسته است. این اصل در کلیت خود مورد پذیرش اسلام است. به مقتضای ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، محروم کردن خودسرانه انسان از حق حیات ممنوع دانسته شده است. اصل ۱ کنوانسیون ممنوعیت نسل‌کشی تأکید می‌کند: «طرف‌های متعهد تصدیق و تأیید می‌کنند که (ژنوساید) اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ؛ به موجب حقوق بین المللی جنایت محسوب می‌شود و تعهد می‌کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند».

۲-۳. دفاع از دیگری

دفاع از دیگری در برابر تجاوز نظامی یکی از استثنائات کاربرد زور بوده و یکی از ابعاد دفاع مشروع نیز می‌باشد. سیاست خارجی دولت اسلامی «مبارزه با ظلم و استعمار» و «حمایت از امت اسلامی و همه مظلومان

امنیت دسته‌جمعی برای کنترل به‌کارگیری و استفاده از زور بود (زال‌پور، ۱۳۸۳، ص ۶۲ به نقل از: آلبر کلیبار، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز، ص ۵۱-۱۱۴).

براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت بعد از احراز وجود تهدید علیه صلح، نقض صلح یا تجاوز، چنانچه ضروری بداند می‌تواند با استفاده از نیروی نظامی کشورهای عضو به اقدامات قهری متوسل شود. مطابق ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا تجاوز را احراز کرده و توصیه‌هایی خواهد کرد، یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود. در مقابل به موجب ماده ۲۵ منشور سازمان ملل متحد، اعضای سازمان موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور پذیرفته و اجرا کند. مثال مهم در این زمینه به مورد عراق در جنگ اول خلیج فارس بازمی‌گردد، که قطعنامه‌های شماره ۶۶۱ ۶۶۵ ۶۶۹ ۶۷۰ و ۶۸۸ شورای امنیت در سال ۱۹۹۰ م منجر به تحریم و محاصره دریایی عراق و نهایتاً قطعنامه‌های شماره ۶۷۷ در سال ۱۹۹۱ م و ۷۷۸ در سال ۱۹۹۲ برای اعاده صلح و امنیت بین‌الملل، مجوز مداخله نظامی را فراهم کرد (مرادی، ۱۳۹۲، ص ۵۱۷).

۲-۴. جهاد تدافعی (دفاع مشروع)

دفاع مشروعی که مداخله را توجیه می‌کند، حقی است که کشورها براساس آن می‌توانند از خود در مقابل حمله مسلحانه، تهدید از داخل کشور دیگر و یا تعقیب دسته‌جات متجاوز و مهاجم با عکس‌العمل نظامی و یا مستشاری در کشور ثالث جهت دفاع از خود به علت احتمال تجاوز از داخل کشور ثالث است؛ که این حق مشروع همه ملت‌ها و دولت‌هاست و در این زمینه برخی از حقوق‌دانان نوشته‌اند: «ضرورت دفاع مشروع حتی ممکن است در جواز تخطی به خاک کشوری بی‌طرف نیز که در حفظ امنیت همسایگان، بی‌کفایت است، مورد استناد قرار گیرد؛ مانند تعقیب دسته‌جات متجاوز و مهاجم تا داخل کشور بی‌طرف که مکرراً براساس حق دفاع مشروع مورد استناد قرار گرفته است» (مدنی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۸۷).

این نوع دفاع را می‌توان دفاع پیش‌گیرانه نیز نامید که در واقع برای عملیات نظامی دولتی که با جمع‌آوری گروه‌های نظامی دشمن در اطراف مناطق، آثار تهدید جدی را حس می‌کند، جنگ دفاعی

فرموده‌اند، گرچه این پیمان بیست سال قبل از بعثت منعقد شد؛ ولی اگر بعد از بعثت نیز آن حضرت را به این پیمان دعوت می‌کردند، آن حضرت اجابت می‌فرمودند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۱-۴۶). وهبه زحیلی مساعدت خزاعه در مکه را به‌عنوان دلیلی بر مشروعیت مداخله آورده است (زحیلی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷).

علما و دانشمندان اسلامی بر اصل حکم در این مورد اتفاق نظر دارند که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. محقق حلی: اگر دشمنان به مسلمین هجوم آورند به‌طوری‌که اساس اسلام به خطر افتد و خوف نابودی اسلام برود، یا بیم نابودی طایفه‌ای از مسلمانان برود؛ در این صورت بر آنها واجب است از آن دفاع کنند و قصدشان راندن دشمن از خود و اسلام و مؤمنین باشد (محقق حلی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵).

۲. صبحی محمصانی، یکی از اقسام جهاد دفاعی را دفع تجاوز از متجاوزان، ستمگران و کسانی که مسلمانان را از خانه‌هایشان آواره ساخته و از وطنشان اخراج کرده‌اند، دانسته است (صبحی محمصانی، ۱۳۹۲ق، ص ۱۹۳-۱۹۴).

۳. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «اگر مکلف طبق تشخیص خود احساس کند که کبان اسلام در خطر است، باید برای دفاع از اسلام قیام کند؛ حتی اگر در معرض کشته شدن باشد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳۲).

در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، این بحث در قالب اصل امنیت دسته جمعی مورد پذیرش قرار گرفته است.

الکساندر دوما اصل امنیت دسته‌جمعی را بدین‌گونه بیان کرده است: «یکی برای همه، و همه برای یکی». طبق این طرح چنانچه یکی از اعضای جامعه بین‌المللی به دیگری تجاوز کند، با نیروی مشترک دیگر اعضا روبه‌رو می‌شود. در ضمن، اطمینان از مداخله دسته‌جمعی اعضای جامعه بین‌المللی به پشتیبانی از قربانی تجاوز، متجاوز را از این قصد باز خواهد داشت. از این‌رو، امنیت دسته‌جمعی شبیه موازنه قوا نقش بازدارندگی را ایفا می‌کند (مقتدر، ۱۳۷۱، ص ۶۷).

با افزایش ویرانگری و مصائب ناشی از جنگ جهانی دوم، اندیشه تشکیل سیستم امنیت دسته‌جمعی، در دستور کار مجامع و تشکل‌های سیاسی و حقوقی جهانی قرار گرفت. هدف از تشکیل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از جنگ بود. هدف منشور، ایجاد یک سیستم عمومی

ماده ۵۱ منشور ملل متحد بود. پس از وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت طی دو قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ این حملات را محکوم کرده و حق دفاع مشروع فردی یا جمعی را مجاز شناخت. دول عضو ناتو هم آن را به عنوان حملات مسلحانه محسوب کردند (شریفی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲).

آنتونیو کاسسه معتقد است که حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چارچوب حقوقی دفاع مشروع را تغییر داده است. به نظر می رسد که طی چند روز رویه تمام دولت‌ها در این جهت بود که یک حمله تروریستی سازمان یافته توسط یک سازمان تروریستی، همانند تجاوز مسلحانه توسط یک دولت است و دول قربانی به حق دفاع مشروع فردی و دول ثالث به حق دفاع مشروع جمعی توسل جویند (همان، ص ۱۰۳).

۲-۵. مداخله مبتنی بر دعوت

مداخله‌ای که به درخواست کشور مورد مداخله آن کشور انجام شده، معمولاً مشروع به‌شمار می‌آید. مداخله درخواست شده آن است که حکومت قانونی به‌طور رسمی درخواست مداخله کرده باشد؛ چنان‌که در سال ۱۸۴۹ اتریش کمک روسیه علیه مجارستان را خواستار شد یا در ۱۹۷۶ دولت ژنیر از مراکش خواست که در مقابل حمله افرادی از آنگولا و کوبا به کاتانگا مداخله کند (صفایی، ۱۳۶۷، ص ۲۷).

در مورد مداخله، به درخواست کشور مورد مداخله، سؤال این است که آیا این مورد مشمول اصل عدم مداخله هست یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال نظرات مختلفی ابراز شده است. برخی معتقدند مداخله اگر به درخواست کشور برای دفاع مشروع باشد، جایز است. یعنی کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته از کشور دیگر درخواست کمک کند. ولی در مورد جنگ داخلی یا شورش، مداخله باطل است؛ چون مخالف اصل حق تعیین سرنوشت است (رکنی، ۱۳۷۲، ص ۸۹۸۳).

این مسئله در حقوق بین‌الملل مورد توجه بوده است. انستیتو حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۹ و در اجلاس خود در برلین به صورت غیرمستقیم به اصل منع مداخله اشاره کرد. استدلال انستیتو به این صورت بود که اگر حکومتی طی یک معاهده به دول خارجی اجازه دهد تا در کشور مداخله کنند، آن مداخله به دلیل مغایرت با ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، فاقد اعتبار خواهد بود؛ چه آنکه براساس بند ۴ ماده ۲ منشور هر نوع تهدید یا توسل به زور در کشور دیگر مطلقاً ممنوع است (عزیزی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴).

مشروع است؛ به‌گونه‌ای که رفع آن تهدید جز با هجوم و اقدام به دفاع پیش‌گیرانه یا بازدارنده میسر نیست» (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۳-۲۸۴، به نقل از: طلاس، ص ۳۵۹).

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «هرگاه براساس نشانه‌های معتبر، از خیانت قومی ترسیدید، عادلانه به آنها اعلام کن پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند خیانت‌کاران را دوست نمی‌دارد» (انفال: ۵۸).
ابوالصلاح حلبی می‌فرماید: «جهاد با کافران و جنگ‌طلبان فاسق، واجب است... پس اگر از ناحیه بعضی کافران و جنگ‌طلبان بیم تجاوز به بعضی از سرزمین‌های اسلامی برود؛ بر اهالی تمام اقلیم‌ها لازم است با دشمنان متجاوز نبرد کنند. این‌گونه جهاد در هر صورت بر مردم واجب است؛ زیرا این جهاد برای یاری اسلام و دفع دشمنان از سرزمین‌های اسلامی است و اگر دشمنان اسلام دفع نشوند، حق نابود می‌گردد، دشمنان بر سرزمین‌های اسلامی مسلط می‌شوند و کفر رواج پیدا خواهد کرد» (حلبی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۳۱-۳۲).

بنابراین مداخله به منظور دفاع مشروع پیش‌گیرانه به‌عنوان اقدام بازدارنده دشمن از تجاوز، در صورت نشانه‌های معتبر بر خیانت دشمنان و ترس از پیمان‌شکنی آنان، در حقوق بین‌الملل اسلام مشروع محسوب می‌شود (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۴، به نقل از: مقدسی، ج ۸، ص ۴۶۳).

براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، حق ذاتی دفاع مشروع منفرد یا جمعی، در صورت حمله مسلحانه علیه دولتی، تا زمانی که شورای امنیت تدابیر لازم را برای اعاده و حفظ و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند، به‌عنوان یک استثنای مهم بر اصل عدم مداخله در روابط بین‌الملل تلقی می‌گردد. این حق ذاتی در جایی است که یک دولت مورد حمله نظامی قرار می‌گیرد و براساس ماده ۵۱ حق دارد از طریق توسل به زور از خود دفاع کند.

پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عموم دولت‌ها تفسیر مضیقی از ماده ۵۱ منشور ملل متحد ارائه می‌دادند. اکثریت دولت‌ها حق دفاع مشروع علیه شبکه‌های تروریستی مستقر در سرزمین‌های دیگر را مورد شناسایی قرار نمی‌دادند. همچنین اکثریت دولت‌ها اقدام مسلحانه به قصد جلوگیری از حملات آتی را مشروع نمی‌دانستند. البته ایالات متحده، اسرائیل و آفریقای جنوبی در مورد عکس‌العمل به حملات تروریستی تأکید می‌کردند که می‌توانند به حق دفاع مشروع استناد کنند و پایگاه‌های تروریست‌ها در دولت میزبان یا مداخله شونده را مورد حمله قرار دهند. نگرش این دولت‌ها مبنی بر تفسیر موسع از

مسئله‌ای که می‌توان مداخله براساس دعوت را براساس آن توجیه کرد، نقض حاکمیت توسط کشور خارجی و یا کودتا در داخل و برچیدن دولت مشروع و مردمی است. لیکن دربارهٔ یمن باید گفت؛ اولاً، هیچ اشغال خارجی واقع نشده بود تا از دولت‌های خارجی یا سازمان‌های بین‌المللی درخواست کمک و مداخله شود؛ ثانیاً، علی‌رغم ادعای منصور هادی و پنج دولت عرب مداخله‌گر در یمن، هیچ‌گونه کودتایی رخ نداده بود؛ بلکه واقعیات جامعهٔ یمنی حاکی از آن بود که حکومت یمن با اعتراضات عمومی مواجه است و خواستار احیای حقوق اساسی خود و مشارکت در تعیین سرنوشت خویش هستند که با برخوردهای خونین و خشونت‌آمیز دولت با مردم روبه‌رو شد؛ و شدیدترین آن در ۸ مارس (جمعه خونین) بود که ۵۰ کشته و ۲۴۰ زخمی داشت (فضائلی، ۱۳۹۵، ص ۶۴).

با بررسی تاریخی جزیرهٔ العرب درمی‌یابیم که این سرزمین در گذشته، واحدهای سیاسی و مستقلی را در خود جایی داده بود. هریک از آنها دارای یک ریاست عالی بودند و از مقرات عرفی و مشترک هم پیروی می‌کردند. این واحدهای سیاسی همان قبیله‌های نیرومندی‌اند که به مثابه تابعان حقوق بین‌الملل امروزی، یعنی کشور - قبیله بوده‌اند، که روابط خود را با همدیگر براساس قواعد پذیرفته شده، تنظیم می‌کردند. (خلیلیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱)؛ براین اساس قرارداد و پیمان‌های اسلام و شخص پیامبر ﷺ را نیز می‌توان از این حیث پذیرفت.

نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله در راستای پاسخ‌گویی به دو سؤال اصلی عبارتند از:

۱. براساس آیات قرآن کریم و تفسیر آنها و فتاویٰ فقه‌های اسلام و شمول قاعده «لاضرر» نسبت به هتک حرمت افراد و همچنین اصول و معیارهای اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، می‌توان حمایت‌های بشردوستانه از انسان را براساس اصل کرامت امری مشروع تلقی کرد.
۲. اجتماع، بستر رشد انسان است و با توجه به اینکه اسلام دینی اجتماعی است؛ در ایدئولوژی آن، انسان فقط مسئول خود نبوده، بلکه نسبت به همهٔ هموعان خود مسئول است. استبداد و ظلم بر مردم عامل اصلی در عدم رشد و تکامل انسان است و نجات انسان‌ها در جوامع بشری از ظلم، در واقع دفاع از ارزش‌های انسانی و عقیدتی در راه تعالی انسان به‌شمار می‌رود. در واقع ضمانت اجرای مداخله بشردوستانه تعهدی اخلاقی و اعتقادی است که براساس آیاتی از

به نظر می‌رسد که مفاد قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ و همچنین رهیافت دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، مغایر رویکرد انستیتو حقوق بین‌الملل و مقررات حقوق بین‌الملل سنتی باشد (همان، ص ۱۷۵).

نکته‌ای که حائز اهمیت است در خصوص مقام دعوت‌کننده است. باید توجه کرد که اعلام رضایت نسبت به مداخله خارجی باید توسط دولت قانونی و منتخب مردم انجام شود. دولتی که از طریق سازوکارهای دموکراتیک بر سر کار آمده و کنترل قدرت را همچنان در دست داشته باشد. در خصوص موردی که اخیراً در یمن اتفاق افتاده است؛ این سؤال را مطرح کرده است که آیا رئیس‌جمهور این کشور از حق دعوت به مداخله برخوردار است یا خیر؟ در جریان تحولات یمن در سال ۲۰۱۵ کشور عربستان با همراهی چند کشور دیگر اعلام کردند که بنا به دعوت منصور هادی در این کشور مداخله کرده‌اند (نصیری لاریمی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴).

اگرچه به نظر می‌رسد تشریفات مربوط به استعفای رئیس‌جمهور یمن، مطابق قانون اساسی این کشور به درستی طی نشده، و شورای امنیت سازمان ملل نیز در قطعنامه ۲۲۱۶ و ۲۲۰۱ در مورد تحولات یمن، ضمن انتقاد و محکومیت اقدامات حوثی‌ها به در اختیار گرفتن نهادهای قانونی و درخواست توقف اقدامات اخیر، از دولت مشروع منصور هادی سخن به‌میان آورده و از آن حمایت کرده است. از این منظر ممکن است برخی ریاست جمهوری وی را استصحاب و قائل به حق دعوت به مداخله برای ایشان گردند. اما در خصوص اینکه اصولاً رئیس‌جمهور یمن، به موجب قانون اساسی، رکن صلاحیت‌دار برای دعوت به مداخله می‌باشد، تردیدهایی وجود دارد. حتی با بررسی قانون اساسی این کشور و علی‌رغم آنکه فرماندهی ارتش نیز از اختیارات ریاست جمهوری است؛ اما به نظر می‌رسد که نمی‌توان وی را تنها مرجع صلاحیت‌دار جهت دعوت از سایر کشورها دانست، و مداخله سایر نهادهای قانونی از جمله مجلس نمایندگان یا شورای دفاع ملی برای چنین دعوتی ضرورت دارد. لذا با توجه به استدلال اخیر، اقدامات اخیر عربستان و متحدانش در یمن، حمله مسلحانه علیه یک کشور مستقل محسوب شده و بدیهی‌ترین اصول و مقررات بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل را نادیده گرفته است (نصیری لاریمی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵).

منابع.....

ابراهیمی، محمد و دیگران، ۱۳۷۹، *اسلام و حقوق بین الملل عمومی*، تهران، سمت.

ابن هشام، عبدالملک بن، بی تا، *سیره النبویه*، بیروت، دارالقلم.
آقایی، داوود، ۱۳۷۵، *نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی*، تهران، پیک فرهنگ.

بلدیسو، رابرت، ۱۳۷۵، *فرهنگ حقوق بین الملل*، ترجمه بهمن آقایی، تهران، کتابخانه گنج دانش.

بیگزاده، ابراهیم، ۱۳۸۹، *حقوق سازمان های بین المللی*، تهران، مجد.
جاوید، محمدجواد و عقیل محمدی، ۱۳۹۵، «ارزیابی قابلیت اجرایی اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حقوق بین الملل معاصر»،
مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و ششم، ش ۱، ص ۸۹-۷۱.

حر عاملی، محمدبن حسن، بی تا، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
حسینی، سیدابراهیم، ۱۳۹۱، *جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین الملل معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

حسینی خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۸۴، *اجوبه الاستفتائات*، تهران، الهدی.
حلی، ابوالصلاح، ۱۴۱۰ق، *الکافی فی الفقه*، در: *مجموعه سلسله النبایع الفقہیة*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه و الدار الاسلامیه.

خلیلیان، سیدخلیل، ۱۳۷۷، *حقوق بین الملل اسلامی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.

زال پور، خسرو، ۱۳۸۳، «نظام امنیت دسته جمعی و سازمان ملل متحد - مورد عراق»، *رواق اندیشه*، ش ۳۱، ص ۷۲-۵۵.

زحیلی، وهبه، ۱۴۱۰ق، *العلاقات الدولیه فی الاسلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.

____، ۱۴۱۲ق، *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*، بیروت، دارالفکر.
سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳، *منشور جاوید*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

سید سابق، ۱۴۰۵ق، *دعوة الاسلام*، بیروت، دارالکتاب العربی.
شریفی، محسن، ۱۳۸۲، «تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین الملل با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، *سیاست خارجی*، ش ۶۵، ص ۹۱-۱۱۲.

صبحی محمصانی، ۱۳۹۲ق، *القانون و العلاقات الدولیه فی الاسلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۸ق، *اقتصادنا*، بی جا، لمجمع العلمی للشهید الصدر.
صفایی، سیدحسین، ۱۳۶۷، «مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل»، *حقوق بین المللی*، ش ۹، ص ۴۰-۵.

عزیزی، ستار، ۱۳۹۰، «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مختصات داخلی با تأکید بر رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه فعالیت های نظامی در کنگو»، *پژوهش حقوق عمومی*، ش ۳۳، ص ۱۶۹-۲۰۲.

قرآن کریم، از سوی خدا به کل جامعه اسلام تفویض شده است.

این اندیشه، امروزه در حقوق بین الملل با عنوان مداخلات بشردوستانه و یا مسئولیت حمایت، مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا سازمان ملل با تفسیر موسع از صلح و امنیت بین المللی در صورت عدم رعایت حقوق بشر و آزادی های سیاسی و... به عنوان تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین المللی، مبادرت به مداخله حتی به صورت نظامی در دولت ها می کند.

۳. در آیات متعدد قرآن کریم به صورت عام و خاص و در سایر منابع فقهی از جمله سیره و سنت رسول خدا ﷺ و اتفاق نظر علمای اسلام در حکم این مسئله، که دفاع از دیگری امری مشروع است، تأکید شده است. با افزایش ویرانگری و مصائب جنگ جهانی دوم، اندیشه دفاع از دیگری با عنوان تشکیلات سیستم امنیت دسته جمعی در دستور کار مجامع سیاسی و حقوقی قرار گرفت و در این راستا شورای امنیت سازمان ملل براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، حتی توسل به نیروی نظامی را نیز تجویز کرده است.

۴. مداخله به منظور جهاد تدافعی نیز امری مشروع است. این مسئله حقی است که کشورها براساس آن می توانند از خود در برابر حمله مسلحانه یا تهدید از داخل کشور دیگر و یا تعقیب دستجات متجاوز و مهاجم با عکس العمل نظامی و یا مستشاری در کشور ثالث دفاع کنند؛ که با این صورت، مداخله قابل توجیه و مشروع خواهد بود و این می تواند نوعی دفاع پیش گیرانه باشد که در حقوق اسلام و همچنین براساس تفسیر موسع ماده ۵۱ منشور ملل متحد حق ذاتی هر کشوری خواهد بود که در صورت نشانه های معتبر خیانت دشمنان و پیمان شکنی آنان در خاک بیگانه از خود دفاع کند.

۵. مداخله براساس دعوت نیز مشروع است. در این خصوص دو دیدگاه وجود دارد: گروهی می گویند اگر برای دفاع مشروع باشد، جایز است؛ ولی در مورد جنگ داخلی و یا شورش، مداخله باطل است؛ چون مخالف اصل حق تعیین سرنوشت است. گروهی دیگر بیان می دارند که رضایت هر اقدامی را توجیه می کند. این مسئله در حقوق بین الملل مورد توجه بوده، که در قالب قرارداد و یا موافقت نامه ها، مداخله اعمال می شود. البته در صورتی که دعوت از جانب دولتی قانونی و مردمی صورت پذیرد، که بیم برچیدن دولت و نقض حاکمیت آن از جانب متجاوز صورت گیرد و این مسئله در اسلام در قالب کشور - قبیله سرزمین جزیره العرب مورد قبول بوده و به تناسب توسعه مفهوم آن و تطبیق با شرایط حال در اسلام نیز مشروع خواهد بود.

- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۳، *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
- فضائلی، مصطفی، ۱۳۹۵، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»،
مطالعات حقوق عمومی، ش ۴۶، ص ۴۱-۷۰.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۳۷۷، *المختصر النافع*، تهران، الهام.
- مدنی، سیدجلال‌الدین، ۱۳۷۷، *حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول*،
تهران، پایدار.
- مرادی، عبدالله، ۱۳۹۲، «بحران سوریه؛ امکان و امتناع مداخله بشردوستانه»،
سیاست خارجی، ش ۲، ص ۵۰۹-۵۳۳.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *جهاد*، تهران، صدرا.
- مقتدر، هوشنگ، ۱۳۷۱، «امنیت دسته‌جمعی در تئوری و عمل»، *سیاست
خارجی*، سال ششم، ش ۱، ص ۶۷-۸۰.
- نصیری لاریمی، رضا، ۱۳۹۳، «تقابل حق دعوت به مداخله دولت حاکم و حق
تعیین سرنوشت داخلی مردم در حقوق بین‌الملل»، *تحقیقات حقوقی آزاد*،
ش ۲۵، ص ۹۹-۱۳۶.
- هشمی، سهیل، ۱۳۸۹، «آیا مبنای اخلاقی بای مداخله بشردوستانه وجود
دارد»، ترجمه طه موسوی میرکلانی، *حقوقی بین‌المللی (مقالات
ترجمه‌شده)*، ص ۲۷-۱۵۴.
- هیگل، محمدخبر، ۱۴۱۷ق، *الجهاد والقتال فی السیاسة الشرعیة*، بیروت،
دارالبیارق.